

بررسی تطبیقی دیدگاه مفسران فریقین در موضوع اشرط الساعه

* محمود مطهری نیا

** عبدالله موحدی محب

چکیده

قرآن کریم در آیه ۱۸ سوره محمد به اشرط الساعه اشاره نموده است. اشرط الساعه در اصطلاح قرآنی به مجموعه حوادثی گفته می‌شود که پیش از واقعه عظیم قیامت و یا ظهور امام عصر[ؑ] اتفاق خواهد افتاد. مفسران فریقین بر اساس روایات پیامبر اکرم[ؐ] و ائمه اطهار[ؑ] درباره آخرالزمان و رویدادهای آن زمان، نسبت به این موضوع توجه زیادی نموده‌اند. اگرچه اشرط الساعه از اصطلاحات پرکاربرد در منابع اسلامی است اما در تعیین مصداق آن درهم آمیختگی زیادی میان علائم ظهور و علائم قیامت وجود دارد. در این مقاله تلاش شده است تا با استفاده از آیات قرآن، روایات و تحلیل محتوایی و مصادیق بیان شده در آنها و نیز تفاسیر شیعه و اهل سنت، میان این علائم تفکیک شود.

واژگان کلیدی

آیه ۱۸ سوره محمد[ؐ]، اشرط الساعه، علائم قیامت، علائم ظهور، آخر الزمان.

motahari.nia@gmail.com

movahedi-moheb@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۲۸

*. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

**. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه کاشان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۲۰

طرح مسئله

«آخر الزمان» که به دوره آخر و قسمت واپسین از دوران که به قیامت پیوندد (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱ / ۴۲) معنا شده است در فرهنگ و ادبیات بسیاری از ملت‌ها و نحله‌ها، بهویژه پیروان ادیان ابراهیمی از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار بوده و آنها با دقت فراوانی این موضوع را دنبال می‌کنند و شاهد آن مطالب فراوانی است که از دیر زمان در میان اقوام و ملت‌های مختلف در زمینه نشانه‌ها و ویژگی‌های آخر الزمان در منابع و متون دینی یافت می‌شود.

مسلمانان نیز با توجه به روایت‌های فراوانی که از پیامبر اکرم ﷺ و ائمه مucchomien در زمینه آخر الزمان و رویدادها و حوادث آن نقل شده به این موضوع توجه فراوانی کرده و افزون بر جمع‌آوری این روایات در منابع روایی شیعی و سنی (برای نمونه ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴ / ۳۱۶ - ۲۹۵؛ ۱۴۱۶ / ۳: سجستانی، ۱۴۱۵ / ۵؛ حبیل، ۱۴۱۵ / ۳: احمد بن حبیل، ۱۴۱۶ / ۳ - ۱۲۸) به تأییف کتاب‌های مستقل در این زمینه پرداخته‌اند.

این کتاب‌ها با عنوان‌هایی مانند: *اشراط الساعه*، *علامات الساعه*، *علامات یوم القیامه*، *الفتن*، *الملاحم*، *الفتن و المحن*، *الفتن و الملاحم* منتشر شده است.

واژه اشراط الساعه از واژه‌هایی است در منابع اسلامی و تفاسیر در ذیل آیه ۱۸ سوره محمد ﷺ، فراوان مشاهده می‌شود. همچنین در آثاری که به موضوع معاد، قیامت، نشانه‌های ظهور و ملاحم و فتن پرداخته‌اند و نیز در مدخل‌های آخر الزمان و اشراط الساعه در دائرة المعارف قرآن کریم و دائرة المعارف بزرگ اسلامی به این موضوع پرداخته شده است. این مقاله بر آن است تا با واکاوی دیدگاه مفسران فرقیین درباره موضوع اشراط الساعه، به تفکیک علائم قیامت و علائم ظهور که در برخی منابع از آن دو به عنوان اشراط الساعه یاد شده است، بپردازد.

مفهوم‌شناسی اشراط الساعه

اشراط الساعه، بر مجموعه حوادثی اطلاق می‌شود که پیش از واقعه عظیم قیامت اتفاق خواهد افتاد. اشراط از نظر لغوی جمع «شرط» به معنای «علامت» است. معنای اصلی این واژه همان شرط است و شرط عاملی است که وجود امری به تحقق آن بستگی دارد. دلیل پیوند معنایی شرط با علامت این است که تحقق شرط، علامت تحقق امری است که وجود آمدنش منوط به آن شرط است. بدین‌سان، اشراط الساعه مجموعه حوادثی است که تحقق آنها نشانه وقوع قیامت است. (راغب اصفهانی،

۱۴۱۲: ۳۷۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۲۳۶) معنای دیگری که برخی از مفسران از این تعبیر به دست داده‌اند، این است که شاید اشرط به معنای ادله روشن‌کننده قیامت نیز باشد. (طبری، ۱۴۱۲: ۲۶ / ۳۳) واژه «آشرط الساعه» برگرفته از یکی از آیات قرآن است که از وقوع آن خبر داده است:

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيهِمْ بَعْتَهُ فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَائِي لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرٌ أَهُمْ (محمد / ۱۸)

آیا [کافران] جز این انتظار می‌برند که رستاخیز به نگاه بر آنان فرارسد؟ و علامات آن اینک پدید آمده است. پس اگر [رستاخیز] بر آنان در رسید، دیگر کجا جای اندرزشان است؟

در مفردات القرآن نیز ذیل واژه شرط چنین آمده است:

شرط: علامت و نشانه. آشرط الساعه: نشانه‌های قیامت. در آیه: (فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا) شرط: پیشتازان و چاوشان یا شحنگان و مأموران نظام جامعه (شرطه الله: یاران و انصار خدای) و چون دارای علامات و نشانه‌هایی هستند این طور نامیده شده‌اند تا با آن علامت شناخته شوند. (آشرط القوم: نجای قوم) و همچنین - آشرط الابل: شترانی که بر گردشان علامت هست. آشرط نفسه للهلاکة: وقتی است که کسی عملی انجام دهد که نشانه مرگ و هلاکت است یا شرط مردن و هلاکت در آن باشد. (راغب اصفهانی، همان)

شیاهت اخبار قیامت و ظهور قائم

یکی از مطالبی که با موضوع علائم ظهور ارتباط نزدیک دارد، روایاتی است که درباره نشانه‌های قیامت سخن می‌گوید. در بسیاری از منابع روایی و تفسیری اهل سنت و برخی جوامع حدیثی و نیز تفاسیر شیعی، نشانه‌های ظهور مهدی با علامت‌های نزدیک شدن و برپایی قیامت آمیخته و برخی نشانه‌هایی که به علائم ظهور مشهورند، نشانه قیامت دانسته شده است. حتی گاهی از اصل ظهور مهدی به عنوان علامت قیامت یاد می‌شود.

به طور کلی صاحبان جوامع حدیثی اهل سنت علاوه بر مطالبی که ذیل آیه یاد شده در سوره محمد آورده‌اند، بابی با عنوان «آشرط الساعه» گشوده‌اند و در دوره‌های قبل و نیز متأخر، کتاب‌های مستقلی با همین عنوان عرضه شده است. در اینجا به مقایسه مواردی از این علامتها در

منابع فریقین پرداخته می‌شود:

نزول حضرت عیسیٰ و ظهور دجال که به نشانه ظهور مهدی شهرت دارند، در اغلب منابع اهل سنت نشانه قیامت معرفی می‌شوند. (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۸۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۶؛ ۱۳۶۰: ۱۴۱۵؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۵: ۶؛ مسلم، ۱۴۰۷: ۶۶۴ / ۲؛ ۱۴۰۷: ۶۶۴ / ۲)

شیخ مفید طلوع خورشید از مغرب و فرو رفتن زمینی در مشرق و مغرب را ذیل نشانه‌های ظهور آورده است. (مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۳۶۸) اما این موارد در منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت از نشانه‌های قیامت بهشمار رفته است. (احمد بن حنبل، ۱۴۱۵: ۴؛ مسلم، ۱۴۰۷: ۲ / ۶۶۷) همچنین در موضوع نشانه‌های ظهور از ترکان و رومیان سخن به میان آمده است که در منابع از آن به عنوان نشانه‌های قیامت یاد می‌شود. (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳: همان؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۲ / ۱۸۶)

مطالعه روایات علائم ظهور و در کنار آن احادیث اشرط الساعه به خوبی نشان دهنده شباهت آن دو دسته اخبار به یکدیگر است. علت این امر را در چند مطلب می‌توان جستجو کرد: نخست اینکه در برخی روایات کلمه «الساعه» به ظهور مهدی تأویل شده. (کورانی، ۱۴۱۱: ۵ / ۴۱۱ و ۳۹۵) بر این اساس یکی از نویسندهای معاصر احادیث اشرط الساعه را در باب علائم ظهور آورده، می‌نویسد:

از آنجاکه در برخی از روایات، الساعه به ظهور حضرت تأویل شده روایات اشرط الساعه را به نشانه‌های ظهور تفسیر کردیم. (طبیبی، ۱۳۸۵: ۱۵ و ۲۹)

دوم، نزدیکی الفاظ و معانی قیام، قیامت و قائم نیز می‌تواند دلیلی بر خلط علائم ظهور با نشانه‌های قیامت باشد. چنان که در ابتدای حدیثی از کتاب الغیبہ می‌خوانیم: «لا تقوم القیامه حق ...» در حالی که در نسخه‌ای دیگر از این کتاب به جای «القیامه» واژه «القائم» آمده است. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۴۹) به نقل از صادقی، ۱۳۸۵: فصل دوم)

ساعت و بهشت پیش از قیامت

واژه «الساعه» ۳۴ بار در قرآن به کار رفته است. الساعه در قرآن به معنای وقت و لحظه است؛ اگرچه این واژه در قرآن معمولاً به معنای قیامت به کار رفته است اما در برخی موارد نمی‌توان آن را بر قیامت تطبیق کرد. از آن جمله می‌توان به آیه ۷۵ سوره مریم اشاره کرد:

كَانَ فِي الصَّالَةِ فَلَمْ يُمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِلَيْهِ الْعَذَابُ

وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرُّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنُدًا.

بگو: «هر که در گمراهی است [خدای] رحمان به او تا زمانی مهلت می‌دهد، تا وقتی آنچه به آنان وعده داده می‌شود: یا عذاب، یا روز رستاخیز را ببینند پس به زودی خواهند دانست جایگاه چه کسی بدتر و سپاهش ناتوان تر است.

در پایان این آیه چنین سؤال می‌شود که پس به زودی خواهند دانست که چه کسی مکانش بدتر و سپاهش ضعیفتر است. همان طور که روشن است در قیامت مفهومی به نام لشکرکشی - که دو سپاه نمایان شود یکی قوی و دیگری ضعیف - مصدق ندارد. از این‌رو باید آن را ناظر به زمانی دانست که در آن زمان در هنگام رویارویی دو سپاه خیر و شر غلبه با سپاهی است که خداوند از آنان حمایت نموده و آنان را تأیید می‌نماید. منابع تفسیری شیعه ذیل این آیه یادآور روایتی شده‌اند که مصدق آیه را در دوره ظهور قائم^۱ بیان می‌کند و کاملاً مؤید برداشت یاد شده از آیه فوق است.

(بحراتی، ۱۴۱۶: ۳ / ۷۲۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۸ / ۲۶۲)

واژه «الجنه» نیز وضع مشابهی در آیات با «الساعه» دارد. در آیات ۱۰۵ تا ۱۰۸ سوره هود آمده است:

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فِيمِّهِمْ شَقِيقٌ وَسَعِيدٌ * فَأَمَّا الَّذِينَ شَقَّوْا فَنِيَ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ * خَالِقُوْنَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ * وَأَمَّا الَّذِينَ سُعدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُوذٍ

روزی [است] که چون فرا رسید هیچ کس جز به اذن وی سخن نگوید. آن گاه بعضی از آنان تیره‌بخت‌اند و [برخی] نیکبخت. و اما کسانی که تیره‌بخت شده‌اند، در آتش، فریاد و ناله‌ای دارند. آسمان‌ها و زمین بر جاست، در آن ماندگار خواهند بود، مگر آنچه پروردگارت بخواهد؛ زیرا پروردگار تو همان کند که خواهد. و اما کسانی که نیکبخت شده‌اند، تا آسمان‌ها و زمین بر جاست، در بهشت جاودان‌اند، مگر آنچه پروردگارت بخواهد. [که این] بخششی است که بریدنی نیست.

علامه مجلسی در ذیل این آیه روایتی از امام علی^۲ نقل می‌کند که ایشان در پاسخ به منکران ثواب و عقاب پس از مرگ و پیش از قیامت این آیات را تلاوت نموده و فرمودند: منظور آسمان‌ها و زمین پیش از قیامت است و الا در قیامت که زمین و آسمان‌ها به چیزی غیر از خود تبدیل می‌شوند. مطلب همانند این آیه از قرآن است که می‌فرماید: «وَمَنْ وَرَأَهُمْ بِرَزْخٍ إِلَى يَوْمٍ يُبَعَثُونَ؛ وَبِشَاهِنَشْ

آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد.» (مؤمنون / ۱۰۰) که امری میان دو امر است:

ثواب و عقاب در میان دنیا و آخرت؛ یا این آیه که «الَّا تَرُّبَّعْرَضُونَ عَيْنَهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ» [اینک هر] صبح و شام بر آتش عرضه می‌شوند، و روزی که رستاخیز بريا شود.» (غافر / ۴۶) صبح و شام در قیامت که موضع جاودانگی است وجود ندارد و به دنیا اختصاص دارد؛ همچنین خداوند متعال درباره اهل بیهشت می‌فرماید: «وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرًا وَعَشِيًّا؛ وَرُوزِيٰ شَانِ صَبَحٍ وَشَامٍ در آنجا [آمده] است.» (مریم / ۶۲) صبح و شام ناشی از شب و روز در جنت، حیات پیش از قیامت است. در جایی دیگر خداوند می‌فرماید: «لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا؛ در آنجا نه آفتایی بینند و نه سرمایی.» (انسان / ۱۳) یا آنجا که می‌فرماید:

وَلَا تَخْسِنَ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْياءٌ عِنْدَ رِبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ
بِمَا آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبَرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَا حَوْفُ
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْرُجُونَ * يَسْتَبَرُونَ بِنِعْمَتِهِ مِنَ اللَّهِ وَفَصْلٌ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ
الْمُؤْمِنِينَ. (آل عمران / ۱۷۱ - ۱۶۹)

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده میندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمان‌اند، و برای کسانی که از پی ایشان‌اند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی می‌کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوه‌گینی می‌شوند. بر نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان را تباہ نمی‌گرداند، شادی می‌کنند.

(مجلسی، ۱۴۰۴: ۶ / ۲۴۶)

برخی وجود سایه مدام را در آیه «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْيَةِ الْأَنْهَارِ أَكْلَهَا دَائِئِ
وَظَلَّلَهَا» (رعد / ۳۵) دلیل وجود خورشید گرفته‌اند. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۵۴) شاید این نگاه کمتر مورد توجه مفسران و نویسنده‌گان اهل سنت بوده و به همین سبب اختلاط میان نشانه‌های ظهور و علائم قیامت در تأییفات آنان بیش از منابع شیعه است.

محدوده زمانی رخداد اشرط الساعه

نکته مهم دیگری که هم از سوی مؤید این دیدگاه است و هم از سوی دیگر تعیین کننده مصدق این زمان بهشمار می‌آید، مصاديقی است که برای عنوان کلی «شرط الساعه» به کار رفته است. این مصاديق غالباً بر همان مواردی تطبیق می‌کند که در روایات به عنوان نشانه‌های ظهور حضرت مهدی ﷺ مطرح شده‌اند. البته با نگاه دقیق‌تر مجموعه این نشانه‌ها در چند مقطع زمانی گنجانده می‌شوند:

الف) آخر الزمان

«آخر زمان» در کتب لغت به «دوره آخر» و «قسمت واپسین از دوران که به قیامت پیوندد» معنا شده است، (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۳ / ۱: ۴۲؛ معین، ۱۳۷۵ / ۳۴) این مفهوم عامترین مفهومی است که برای آشراط الساعه به کار رفته است. این عنوان بر محدوده وسیعی قابل اطلاق است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

ب) پیش و در آستانه ظهور

این محدوده در برگیرنده متدالوی ترین و شایع‌ترین برداشتی است که از آشراط الساعه و نشانه‌های ظهور شده است.

ج) رجعت

با توجه به استناد جدی به آیاتی از قرآن کریم - رجعت که به تشیع اختصاص دارد - باید باوری مسلمان اسلامی دانست. بخشی از آنچه در زمرة آشراط الساعه در روایات و تفاسیر آمده مربوط به این دوره است.

د) قیامت

شماری از آنچه که به عنوان آشراط الساعه یاد شده در اصل آشراط القيامه و حوادث مربوط به آستانه قیامت است.

واژه‌های ناظر به نشانه‌ها

در منابع اسلامی از نشانه‌های آخر الزمان با این تعبیر یاد شده است:

الف) آشراط الساعه

این تعبیر در منابع فریقین به کار برده شده است اما استعمال آن در منابع اهل سنت بیشتر است.

ب) آشراط القيامه

این تعبیر از نظر اصطلاحی دقیق‌تر از آشراط الساعه است اما از نظر استعمال به همان معنای آشراط الساعه است تا آنجاکه گاه در یک روایت آشراط الساعه و آشراط القيامه به یک معنا به کار رفته است.

(برای نمونه ر.ک: قمی مشهدی، ۱۳۶۸ / ۲: ۳۰۴)

ج) ارهادات

این واژه بیشتر برای بیان آن دسته از حوادثی به کار برده شده که پیش از آمدن انبیای بزرگ رخ داده‌اند. ارهادات به طور مشخص درباره حوادث و نشانه‌های ولادت رسول الله ﷺ به کار رفته است. (برای نمونه ر.ک: ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۹؛ ۹۶۹: ۲۰، ۲۱؛ ۱۴۲۱: ۴۷۰) استعمال این اصطلاح برای نشانه‌های ظهور و آمدن امام عصر ﷺ کمتر رایج است و تنها در منابع متاخر از این واژه برای نشانه‌های ظهور یا قیامت استفاده شده است. (برای نمونه ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۱۹ / ۴۴۸)

د) علائم ظهور

در منابع شیعه برای بیان نشانه‌های ظهور معمولاً از این اصطلاح استفاده می‌شود و شایع‌ترین اصطلاح برای بیان حوادث آخر الزمان و ظهور، نشانه‌ها و علائم ظهور است. (ر.ک: طوسی، بی‌ت؛ نعمانی ۱۳۹۷: مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۵ – ۵۳)

ه) آیات

در روایات اسلامی برخی از حوادث شاخص و فوق العاده آخر الزمان با عنوان آیه مطرح شده‌اند. تعداد این حوادث که به طور مشترک در منابع شیعه و سنی آمده، انگشت‌شمار است، از قبیل: دخان، بازگشت مسیح، آتشی از قعر عدن که مردم را به سمت محشر سوق می‌دهد، دجال، خروج دابه، طلوع خورشید از مغرب، یاجوج و ماجوج، سه خسوف در مشرق، مغرب و جزیره‌العرب، باد و طوفانی که از ناحیه دریا مردم را دربر گیرد. (دیلمی، ۱۴۱۲: ۱ / ۶۷)

اولین این آیات را دخان، دجال (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷ / ۲۲۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۷ / ۶۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۶ / ۱۳۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۴ / ۳۳۷)، طلوع خورشید از مغرب و خروج دابه – که بنابر روایات متعدد شیعه منظور امیرالمؤمنین علیه السلام است (برای نمونه ر.ک: قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۱۳۰) – دانسته‌اند.

(طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۲۴۵)

و) فتن

فتنه جمع فتنه و به معنای آزمایش، امتحان، شورش، اختلاف آراء، محنّت و رنج است. این واژه در اصل به عملی گفته می‌شود که برای پاک کردن طلا و نقره از ناخالصی انجام می‌شود. (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۰ / ۱۷۸)

ز) ملاحم

ملاحم جمع ملحمه به معنای جنگ و خونریزی بزرگ و رزمگاه است که اصطلاحاً به جنگ‌ها و رویدادهای سیاسی - اجتماعی گفته می‌شود که معصومین ﷺ از وقوع آنها خبر داده‌اند. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۶: ۴۱۷ / ۲) برخی از اهل سنت کتاب‌های مربوط به موضوع نشانه‌های آخر الزمان را به «ملاحم و فتن» نامگذاری می‌کنند.

قطع و زمان‌شناسی آخر الزمان

با مرور آیات، روایات و منابع تفسیری می‌توان محدوده وسیعی را در گستره زمانی برای مفهوم آخر الزمان یافت. به استناد آنچه در منابع یاد شده آمده است می‌توان سرآغاز دوره آخر الزمان را چنین یافت:

الف) خلقت آدم

در روایتی از امام صادق علیه السلام خلقت حضرت آدم علیه السلام را در پی یک میلیون عالم و آدم، سرآغاز دوره پایانی جهان نامیده‌اند. در واقع این تعبیر ناظر به آخرین زمان خلقت آدمیان و عوالم است. (صدقه، ۱۳۹۸: ۲۷۷)

ب) عهد نبوی

پیامبران الهی از رسول اکرم ﷺ به عنوان پیامبر آخر الزمان یاد کرده‌اند. این یادکرد در روایات اسلامی به نقل از آنان آمده است. (برای نمونه ر.ک: صدقه، بی‌تا: ۱ / ۵۵) بسیاری از منابع به‌ویژه منابع اهل سنت و گاه شیعه (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۹ / ۳۶۵) با توجه به آیه آغازین سوره قمر، سرآغاز قیامت و رخداد اشراط الساعه را بعثت رسول خدا علیه السلام خوانده‌اند. (برای نمونه ر.ک: ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۷ / ۴۹۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱ / ۶۶) سیاق این آیه بیانگر آن است که دست کم بخشی از نشانه‌های قیامت در زمان نزول قرآن رخ داده است. شاید مراد این است که وقوع قیامت و بروای شدن حساب و کتاب نیازمند به مقدماتی است (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۹ / ۴۶۹) که از جمله این مقدمات، آفریش انسان و به دنبال آن جدا شدن و تمایز انسان‌های صالح از فاسد و پرهیزگار از بدکار، و سرانجام، مرگ آنان است. بدین‌سان، به طور قطع می‌توان گفت که پاره‌ای از مقدمات و علامت‌های وقوع قیامت محقق شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۲۳۷)

ج) عهد مهدوی

استفاده از تعبیر دوره حضرت مهدی^ع البته با تأکید بر دوره ظهور امام عصر^ع امری شایع است. در برخی از این دست روایات مقصود دوره پیش از ظهور است. مانند مواردی که فقدان علم و ظهور جهل، شیوع شرب خمر، علی شدن زنا، کم شدن مردان، زیاد شدن زنان را از جمله اشراف الساعه برشمرده‌اند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ / ۲: ۱۱۷۴؛ نیز رک: بروسوی، بی‌تا: ۷ / ۲۴۳)

د) غیبت کبری

بیشتر نشانه‌های ظهور درباره این دوره از غیبت است؛ بخشی از این نشانه‌ها که به عنوان نشانه‌های ظهور و آخر الزمان بیان شده است در قرن‌ها یا سال‌های گذشته محقق شده است و بخشی نیز هنوز به وقوع نبیوسته است.^۱ البته باور این عیاس بر این است که از همان ایام، بیشتر نشانه‌ها به جز طلوع خورشید از مغرب، دایه الأرض، خروج دجال و خروج یاجوج و ماجوج رخ داده‌اند. (سمرقندی، ۱۴۱۳ / ۳: ۳۶۹)

ه) دوره نزدیک به ظهور

تصور و توقع عمومی از موضوع نشانه‌های ظهور ناظر به دسته‌ای از حوادث است که در سال‌ها یا ماه‌های منتهی به ظهور رخ دهنند؛ این نشانه‌ها بخشی از مجموعه حدود دو هزار نشانه بیان شده برای ظهور امام عصر^ع را دربر می‌گیرد.

و) یکسال پایانی پیش از ظهور

در منابع شیعه، دسته‌ای از نشانه‌های ظهور به عنوان نشانه‌های حتمی و قطعی از آنها یاد شده است. (طبرسی، بی‌تا: ۱۳۹۷ / ۴۵۵؛ نعمانی، ۲۵۲ / ۲۵۲) دیدگاه غالب در این باره پنج نشانه را در برمی‌گیرد که عبارتند از: خروج سفیانی و قیام یمانی در ماه رجب، صیحه آسمانی در بیست و سوم ماه رمضان، شهادت نفس زکیه در بیست و پنجم ماه ذی‌حججه و خسف بیداء در نیمه اول محرم. البته گاه علائم مانند طلوع خورشید از مغرب، اختلاف بنی عیاس و برخی موارد انگشت‌شمار دیگر نیز در زمرة علائم حتمی برشمرده شده است. (مفید، ۱۴۱۳ / ۲: ۳۷۱)

همان‌طور که در تحقیقات متأخر که با نام شش ماه پایانی، منتشر شده است، به استناد مجموعه

۱. در این رابطه به کتاب‌های: روزگار رهایی، نوشته کامل سلیمان، لزوم تفکیک علام حتمی از غیر حتمی نوشته علی‌اکبر مهدی پور و منتظر تاریخ، نوشته علاءالدین مدرسی مراجعه شود.

مفصل و جامعی از روایات مشاهده می‌شود که این مجموعه حوادث و هر پنج نشانه در بازه زمانی شش ماه قبل از ظهور تا چند روز پس از آن رخ می‌دهد. (در این رابطه ر.ک: الساده، ۱۳۸۵: فصل سوم)

ز) از ظهور تا قیامت

بخشی از آنچه در ضمن روایات اشراط الساعه بیان شده درباره حوادثی است که پس از ظهور تا پیش از وقوع قیامت رخ می‌دهند؛ برخی از این حوادث عبارتند از: بازگشت مسیح و پایان بخشیدن به جریان سفیانی، نبرد با یاجوج و مأجوج.

ح) آستانه قیامت

به تصریح آیات قرآن اندکی پیش از قیامت، حوادثی رخ می‌دهد که زمینه‌ساز وقوع آن رخداد است. قرآن کریم به هنگام بیان اوصاف قیامت، آن را در کنار رویدادهای ذکر می‌کند که با انقراض عالم انسانی و فروپاشی نظام دنیوی ملازمت دارد. این معنا غالباً در سوره‌های مکی مانند: نبأ، نازعات، تکویر، انفطار، انشقاق، فجر و قارعه، و برخی سوره‌های مدنی چون زلزال مورد تأکید قرار گرفته است. نمونه‌هایی از اشراط الساعه در این سوره‌ها چنین است: آسمان می‌شکافد، ستارگان پراکنده می‌شوند و فرو می‌ریزند (انشقاق / ۱؛ انفطار / ۲ - ۱)؛ خوشید و ستارگان بی‌فروع می‌گردند؛ (تکویر / ۲ - ۱) زمین منبسط و شکسته می‌شود و هر چه در درون دارد، بیرون می‌افکند و تهی می‌گردد (انشقاق / ۵ - ۳؛ فجر / ۲۱)؛ زمین با سخت ترین لرزه‌ها لرزانده می‌شود (زلزال / ۱ - ۲) و خبرهای خویش را که پروردگار به او وحی کرده است، باز می‌گوید (زلزال / ۵ - ۴)؛ دریاها به هم می‌بیونند و قبرها از هم می‌شکافند؛ (انفطار / ۵ - ۳) کوهها جابه‌جا می‌شوند (تکویر / ۳) و چون پشمزده شده [به هوا روند] (قارعه / ۵) و مردمان چون پروانگان پراکنده شوند. (قارعه / ۴)

گونه‌شناسی اشراط الساعه

برخی این نشانه‌ها را به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

(الف) نشانه‌هایی که ظاهر شده و از بین رفته است؛ مانند: بعثت رسول اکرم ﷺ؛

(ب) نشانه‌هایی که ظاهر شده و همچنان ادامه دارد؛ مانند: رباخواری؛

(ج) نشانه‌هایی که تاکنون ظاهر نشده است؛ مانند: خروج دجال. (مراغی، بی‌تا: ۹ / ۱۳۳)

بعضی هم معتقدند اشراط الساعه به سه دسته از رخدادها اطلاق می‌گردد:

(الف) حوادث مهم پیش از پایان جهان؛ مانند: بعثت پیامبر ﷺ؛

(ب) حوادث هولناک در آستانه پایان جهان؛ مانند: فروپاشیدن کوهها؛
(ج) حوادث تکان‌دهنده در آغاز رستاخیز و نشانه‌های شروع قیامت؛ مانند: تبدیل شدن زمین و
آسمان. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶/ ۲۱)

با توجه به مجموعه مطالبی که این نوشتار به دنبال تبیین آن است مجموعه این حوادث در دو
مقطع پیش از ظهرور و پیش از قیامت دسته‌بندی می‌شود:

۱. گونه‌شناسی حوادث آستانه ظهرور

حوادث مقطع پیش از ظهرور و در آستانه رخداد آن را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

یک. عرصه تحولات و انحطاطات انسانی

روایتی جامع از رسول خدا در مراسم حجه الوداع و در گفتگو با سلمان فارسی در منابع شیعه
نقل شده (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴: ۲/ ۳۰۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/ ۳۹۴) که فهرست جامع و کاملی
از نشانه‌ها و تحولات انسانی پیش از ظهرور را در بر می‌گیرد. علاوه بر آن روایتی مفصل‌تر از
امام ششم^ع نقل شده که به خوبی جامع اوصاف و تحولات و انحطاطات مردم عصر آخر الزمان
و آستانه ظهرور است.

لازم به ذکر است تأکید بر انتظار در ابتداء و انتهای روایت حاضر در کنار مجموعه روایات
تصویف‌کننده آخر الزمان بی‌تردید روایت یاد شده ناظر به دوره مورد مطالعه ما می‌باشد. (برای مطالعه
متن روایت ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵: ۸/ ۴۲ - ۴۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۲/ ۲۵۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶/ ۲۷۶
طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/ ۳۹۷)

این ویژگی‌ها در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی، سیاسی و ... قابل تفکیک و دسته‌بندی است.

دو. عرصه طبیعی

الف) طلوع خورشید از مغرب

بیشتر مفسران شیعه و سنی، ظهرور نشانه مورد اشاره در آیه: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آياتِ رَبِّكَ»
(انعام / ۱۵۸) را به استناد روایاتی که در ذیل آن رسیده (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶/ ۳۱۳) طلوع
خورشید از مغرب دانسته‌اند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲: ۸/ ۱۲۶) در برخی روایات این نشانه را در زمرة
عالئم حتمی برشمرده‌اند. (مفید، ۱۴۱۳: ۲/ ۳۷۱) در گذشته طلوع خورشید از مغرب از نگاه
دانشمندان هیئت و نجوم، امری محال تلقی می‌شد؛ اما برخی مفسران بر این باورند که

چنین رویدادی محال عادی است؛ اما عقلاً محال نیست، ازاین رو می‌تواند متعلق قدرت الهی قرار گیرد. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۹۴ / ۸) امروزه نظرات علمی تبدیل حرکت زمین به حرکتی مخالف حرکت کنونی یا جابه‌جایی قطب شمال و جنوب را ممکن می‌داند؛ خواه به صورت تدریجی باشد، چنان‌که بررسی‌های فلکی نشان می‌دهد، یا به صورت ناگهانی که وقوع حادثه‌ای جوئی موجب آن گردد. البته همه این مباحث در صورتی است که تعبیر طلوع خورشید از مغرب رمز و اشاره به سری از اسرار حقایق نباشد.

ب) ظهور دود در آسمان

به استناد آیه «فَإِذْ تَقِبُ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ» (دخان / ۱۰) در تفاسیر شیعه و سنی، یکی از اشرط الساعه، ظهور دود در آسمان دانسته شده است (طبری، ۱۴۱۲: ۲۵ / ۱۴۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۹۴) و گفته‌اند: منظور از «دخان مبین» همان دود غلیظی است که در پایان جهان و در آستانه قیامت، صفحه آسمان را می‌پوشاند و سرآغاز عذاب دردنگ الهی برای ستمگران است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱ / ۱۶۳) در حدیثی از رسول خدا در مورد آیه فوق آمده است: این دود میان مشرق و مغرب را پر می‌کند و چهل شبانه روز می‌ماند و بر اثر آن حالتی شبیه زکام به مؤمن دست می‌دهد؛ اما کافر شبیه مستان شده و دود از بینی و گوش‌ها و پشت او بیرون می‌آید. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۷ / ۴۰۸)

با توجه به اوصاف یاد شده برای دخان که بر مؤمنان و کفار چنین تأثیری می‌گذارد خود می‌تواند بهترین دلیل بر این موضوع باشد که دخان از جمله نشانه‌های ظهور و نه قیامت است؛ زیرا به تصريح منابع شیعه و سنی، پس از ظهور، بنای کفر برچیده می‌شود (صدقوق، ۱۳۹۵: ۲ / ۳۷۸) و تا پیش از حشر کافری بر زمین باقی نمی‌ماند که بخواهد او را مدهوش و مست کند و اساساً چنین تأثیری پس از حشر نیز لغو و عبث می‌نماید؛ زیرا کافری که سکرات موت و عذاب برزخ را چشیده و مهیای احوال قیامت است، نیازی به وقوع چنین رخدادی در آن اوضاع و احوال ندارد. به این مطلب می‌توان روایاتی را اضافه نمود که دخان را «اول الآیات» خوانده و رخداد آن را پیش از دیگر وقایع شاخص اشرط الساعه خوانده‌اند.

۲. گونه‌شناسی حوادث آستانه قیامت

این حوادث و تحولات که در عرصه خلقت رخ می‌دهند از این قرار است:

یک. تحولات زمین

۱. در عرصه خشکی

۱ - ۱. طبیعی

۱ - ۱ - ۱. زلزله شدید

پیش از وقوع قیامت زلزله‌ای سخت سراسر زمین را فرا می‌گیرد، به گونه‌ای که همه محتویات خود از جمله اجسام مردگان را به بیرون می‌افکند. (زلزال / ۲ - ۱) و چنان از هم شکافته می‌شود که اجسام به سرعت از آن جدا شوند (ق / ۴۴) قرآن این زلزله را «عظیم» وصف کرده و بیان داشته که با وقوع آن، هر شیردهنده‌ای از فرزند شیرخوارش غافل می‌شود و هر آبستنی بار خود را فرو می‌نهاد و همه مردم چون مستان به نظر می‌آیند. (حج / ۲ - ۱) از زلزله زمین در آیاتی دیگر با واژه‌های «رجف» و «رجّ» به معنای لرزش و حرکت شدید یاد شده است. (نازاعات / ۷ - ۶؛ مزمول / ۱۴؛ واقعه / ۴)

۱ - ۱ - ۲. فروپاشیدن کوهها

فروپاشیدن کوهها که به طور طبیعی بر اثر زلزله شدید زمین حاصل می‌شود، خود طی مراحلی انجام می‌پذیرد.

۱. کوهها به لرزه در می‌آید. (مزمل / ۱۴)

۲. از جا برکنده می‌شود. (حaque / ۱۴) برخی مراد از حمل زمین و کوهها را احاطه قدرت بر آنها دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۳۹۷) که در قیامت ظهر می‌پابد.

۳. به حرکت در می‌آید، (طور / ۱۰) چنان که برخی از مفسران «بس» در آیه «وَبُسْتَ الْجَيْلَ بَسًا» (واقعه / ۵) را نیز به معنای به حرکت درآمدن آنها دانسته‌اند. (همو، ۱۴۱۷: ۱۱۶)

۴. در هم کوبیده می‌شود. (حaque / ۱۴)

۵. به صورت توده‌ای از شن‌های متراکم در می‌آید (مزمل / ۱۴) و پس از متراکم شدن، به ذرات کوچک‌تری تبدیل شده، به صورت گرد و غباری پراکنده می‌شود: (واقعه / ۶ - ۵) گفته شده: «هباء» غباری است که در ستونی از نور خورشید که از منفذی تابیده شود قابل روئیت است. این امر نشان نهایت خرد شدن و ریز شدن سنگ‌های عظیم کوههای است. برخی گفته‌اند: کوهها در اصل اجزایی متفرق مانند ذرات منتشر در هوا بوده است که برخی از فرشتگان الهی آنها را جمع کرده، و به صورت کوه درآورده و با وقوع قیامت دوباره به صورت اصلی خویش باز می‌گردد؛ زیرا در قیامت هر چیزی به اصل خویش باز می‌گردد.

۶. غبارهای پراکنده به شکل پشم‌های حلاجی شده که با تندباد حرکت کند و تنها رنگی از آنها در آسمان دیده شود در می‌آید. (قارعه / ۵)

۷. سرانجام از کوهها شبه یک سراب در بیابان خشک می‌ماند (نبأ / ۲۰) و با این رفتن کامل کوهها ناهمواری‌های زمین از میان می‌رود (طه / ۱۰۷ - ۱۰۶) برخی گفته‌اند: مراد از تبدیل شدن کوهها به سراب، انعدام کوهها و باطل شدن حقیقت آنهاست. به این ترتیب آن کوههای استوار که حقیقی دارای جرمی بس بزرگ و نیرومند بود و طوفان‌ها نمی‌توانست آنها را حرکت دهد به سرابی باطل تبدیل می‌شود که هیچ حقیقتی ندارد.

۱-۲. انسانی

۱-۲-۱. آتش فراگیر در میان مردم

زمینه‌ساز حشر انسان‌ها آتشی فراگیر از شرق تا غرب جهان است. (صدقه، بی‌تا: ۱ / ۹۵)

۱-۲-۲. دمیده شدن در صور

یکی از حوادث قیامت، نفخه مرگ است که با وقوع آن جانداران آسمان‌ها و زمین می‌میرند. (زمر / ۶۸) از ظاهر آیه «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةً وَاحِدَةً * وَحَمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجَبَلُ فَدَكَّتُ دَكَّةً وَاحِدَةً» (حafe / ۱۴ - ۱۳) چنین برمری آید که دمیده شدن در صور پیش از درهم کوپیده شدن زمین و کوههای است. برخی آیه «وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَقَعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ...» (نمیل / ۸۷) را نیز در مورد نفخه مرگ، یا اعم از آن و زنده ساختن (طباطبایی، ۱۴۱۷ / ۱۵) دانسته‌اند. ظاهراً نفخه‌ای برای میراندن زندگان دمیده می‌شود و پس از تمام تحولات کیهانی و فراهم شدن شرایط هول آفرین قیامت نفخه دوم دمیده شده و همه خلائق آسمان‌ها و زمین با فزع، زنده و محشور می‌شوند.

۲. در عرصه دریا

دگرگونی دریاها

دگرگونی دریاها در قرآن با دو واژه «تسجیر»: (برافروخته شدن) (تکویر / ۶) و «تفجیر» (منفجرشدن) (انفطار / ۳) بیان شده است. در معنای این دو واژه نظرات گوناگونی ارائه شده است؛ مانند: به هم پیوستن آب‌های زمین و پر شدن و یکی شدن دریاها، (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰؛ ۶۷۴ و ۶۸۱) خشک شدن دریاها و برافروخته شدن و آتش گرفتن دریاها. (طبری، ۱۴۱۲ / ۳۰؛ ۸۶) برخی گفته‌اند: دریاها با متلاشی شدن کوه‌ها در میان آنها پر می‌شود و آب سراسر خشکی را فرا می‌گیرد. برخی دیگر احتمال داده‌اند که بر اثر زمین لرزه و آتش‌شانها آب دریاها با مواد مذاب زمین که در حال جوشش است برخورد کرده، دچار برافروختگی شود یا به واسطه سقوط پاره‌های ستارگان آسمان که هنوز خاموش نشده و افتادن آنها، دریاها به حالت جوشش درآید. برخی مفسران بر افروختن و

سوختن آب دریاها را به سبب تجزیه شدن دو عنصر آب، یعنی اکسیژن و هیدروژن و سوختن آنها دانسته (سید قطب، ۱۴۱۲: ۶ / ۳۸۶) و با این دیدگاه به دنبال ارائه تفسیری علمی از این رخداد برآمده‌اند.

دو. تحولات آسمان

۱. تاریک شدن خورشید، ماه و ستارگان

قرآن (تکویر / ۱) از تاریک شدن خورشید به «تکویر» (جمع شدن و پیچیده شدن مانند پیچیده شدن عمامه بر سر) یاد کرده است: (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۶۷۳) در آیه‌ای دیگر به جمع شدن خورشید و ماه و به هم پیوستن آن دو که به گفته برخی به معنای تاریک شدن آنهاست، اشاره شده است (ابن‌هائم، ۱۴۲۳: ۳۶۰): «وَجْمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ»؛ (قيامت / ۹) همچنین از تاریک شدن ستارگان با واژه‌هایی چون «انکدار» (تاریکی): «وَإِذَا التَّجُومُ انْكَدَرَتْ»، (تکویر / ۲) «طمس» (ناپدیدشدن): «وَإِذَا التَّجُومُ طُمِسَتْ» (مرسلات / ۸) و «انتثار» (پراکنده شدن و فرو ریختن): «وَإِذَا الْكَوَاكِبُ اتَّثَرَتْ» (انفطار / ۲) سخن به میان آورده است.

دستاوردهای دانش بشری از تعیین زمان تاریک شدن ستارگان ناتوان است؛ اما تأیید می‌کند که باگذشت زمان و در هر لحظه، از انرژی آنها کاسته شده و سرانجام به خاموشی خواهد گرایید. البته با نوع وصف قرآن از قیامت نمی‌توان آن را محصول سیر طبیعی و تدریجی جهان، به سمت نابودی دانست. به عبارت دیگر، پیش‌بینی‌های علمی این روزها را نمی‌توان الزاماً به حوادث قیامت ربط داد. آنچه که درباره روشن شدن زمین با نور پروردگار در قرآن آمده: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ يُنُورُ رَبَّهَا». (زمرا / ۶۹) نمی‌تواند مربوط به قیامت باشد؛ زیرا به تصریح آیاتی که مورد استدلال حضرت علیؑ نیز قرار گرفته و قبلًاً بدان اشاره شد، پس از قیامت زمین به چیزی غیر از خود بدل خواهد شد و وقتی زمینی نباشد روشن شدن زمین با نور پروردگار امری بی‌معنا خواهد بود. با مراجعت به روایات منابع شیعه، دانسته می‌شود این اتفاق مربوط به دوره ظهور امام عصرؑ است که مردم با نور امام عصرؑ از نور خورشید بی‌نیاز می‌شوند. (ر.ک: طبرسی، بی‌ت: ۴۳۴؛ صدوق، ۱۳۹۵ / ۲: ۳۷۲)

البته فهم این مطلب با گذشت قرن‌ها همچنان برای ما ممکن نیست. اینکه برخی گفته‌اند: بعید نیست مراد از روشن شدن زمین به نور پروردگار، کنار رفتن پرده و حجاب و ظهور حقیقت اشیا و آشکار شدن کارهای خیر و شر برای ناظران باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۳۹۵) با توجه به آنکه این آیه ناظر به عصر ظهور امام عصرؑ باشد، قابل قبول به نظر نمی‌رسد.

۲. جمع شدن خورشید و ماه

برخی جمع شدن خورشید و ماه در آیه «وَجَمِعَ السَّمْسُ وَالْقَمَرُ» (قیامت / ۹) را نیز ناظر به این پدیده دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۱۹۴)

۳. متلاشی و دگرگون شدن آسمان و کرات آسمانی

در شماری از آیات، از شکافتن و متلاشی آسمان پیش از قیامت سخن به میان آمده است. معلوم نیست به چه دلیل و استنادی گفته شده مراد از آسمان در این آیات، کرات آسمانی است؛ زیرا با در نظر گرفتن خود آسمان هم این آیات قابل فهم و تصور است. قرآن مجید از دگرگون شدن نظام کواكب و شکافته شدن کرات آسمانی با تعبیرهایی گوناگون یاد کرده است:

۱. حرکت شدید و دورانی: «يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا». (طور / ۹) «مور» گاه به معنای حرکت شدید و گاه به معنای حرکت دورانی است. (طوسی، بی‌تا: ۹ / ۴۰۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۲۷۱) آوردن واژه «مورا» به صورت مصدر، تأکیدی بر شدت این حرکت و گردش است (راغب، ۱۴۱۲: ۷۸۳)؛

۲. گداخته شدن: «يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمَهْلِ». (معارج / ۸)؛

۳. سستی و پراکندگی: «وَأَشْقَقَتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةً». (حاقه / ۱۶)؛

۴. شکافته شدن: این رخداد با واژه‌هایی همچون «انشقاق»: «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّ»، (انشقاق / ۱) «تشقق»: «وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ يَالْغَمَامِ»، (فرقان / ۲۵) «انفطار»: «إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَ»، (انفطار / ۱) «فرج»: «وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ»، (مرسلات / ۹) «فتح»: «وَفُتحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا» (نبأ / ۱۹) (آل‌وسی، ۱۴۱۵: ۳۰) و «کشط»: «وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ» (تکویر / ۱۱) (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۶۷۴) آمده است. برخی گفته‌اند: بعید نیست این گونه آیات کنایه از آن باشد که ابر جهل کنار می‌رود و عالم آسمان که عالمی غیبی است، آشکار می‌شود و ساکنان آن (فرشتگان) ظاهر گشته، به زمین که جایگاه انسان است نازل می‌شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۱۹؛ ۲۰۲ / ۱۹؛ ۳۹۸ / ۲۰؛ ۱۶۶ / ۲۰؛ ۲۲۳) که با توجه به احوال قیامت و شرایط آکنده از فرع آن ساعات، بعید است که تأویل قابل توجهی به نظر آید.

۵. درهم پیچیدن: «يَوْمَ نَطَوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السُّجْل لِلْكَتْبِ». (انبیاء / ۱۰۴) تعبیر «طَيِّ السُّجْل لِلْكَتْبِ» به این معناست که هرگاه صفحه‌ای پیچیده شود الفاظ موجود در آن نیز پیچیده می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴ / ۳۲۸) از تشبیه مذکور در آیه درهم پیچیده شدن کامل نظام آسمان استفاده می‌شود.

فاصله باقیمانده تا قیامت

با مراجعه به آیاتی از قرآن کریم که مانند آیات آغازین سوره قمر از نزدیک شدن قیامت خبر می‌دهند یا اینکه صبح قیامت را نزدیک می‌خوانند (مانند: هود / ۸۱) ممکن است این سؤال در ذهن پیش آید که چگونه با گذشت ۱۵ قرن از عصر نبوی هیچ خبری از قیامت نیست؟ پاسخ این سؤال با توجه به یک نکته روشی می‌شود و آن اینکه: باقی مانده دنیا را در مقایسه با گذشته آن باید محاسبه کرد، و در چنین مقایسه‌ای آنچه از عمر دنیا باقی مانده چیز مهمی نیست، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱ / ۴۵۱) چنان‌که در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ به نقل از اهل سنت آمده است که روزی بعد از عصر و نزدیک غروب آفتاب، برای یارانش خطبه‌ای خواند و فرمود:

سوگند به کسی که جان محمد به دست اوست، آنچه از دنیا گذشته نسبت به آنچه باقی مانده، مانند مقداری است که امروز شما گذشته نسبت به آنچه باقی مانده است و می‌بینید که جز مقدار کمی باقی نمانده است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۶ / ۴۸)

البته در مقایسه با عمر خلقت هستی، و نه خلقت حضرت آدم، زمان بسیاری را پشت سر نهاده‌ایم. اما با گذشت این قرون پاسخ به این پرسش نیز که چقدر دیگر باقیمانده است بی‌پاسخ خواهد ماند؛ زیرا که علم به زمان ظهور و قیامت بنابر آیات قرآن کریم، روایات و دیدگاه مفسران فریقین فقط به خداوند اختصاص دارد (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۴: ۶ / ۵۱) که البته به استناد برخی روایات نقل شده در جوامع شیعی می‌توان نتیجه گرفت معصومین ﷺ نیز به زمان ظهور و نه قیامت، به لطف الهی اطلاع داشته‌اند.^۱

بداء و اشراط الساعه

«بداء» در لغت به معنای ظهور و روشن شدن پس از مخفی بودن چیزی است و در اصطلاح به روشن شدن چیزی پس از مخفی بودن از مردم گفته می‌شود؛ بدین‌معنا که خداوند متعال بنابر مصلحتی مسئله‌ای را از زبان پیامبر یا یکی از اولیاًیش به گونه‌ای تبیین می‌کند و سپس در مقام عمل و ظهور و بروز، غیر آن را به مردم نشان می‌دهد.

۱. در این رابطه به طور مشخص می‌توان به روایات «سلونی قبل ان تقضونی» (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳: ۱ / ۳۵) حضرت علیؑ اشاره کرد که ضمن آن می‌فرمایند اگر بخواهید، شما را از تمام حوادث تا قیامت باخبر می‌کنم. بدیهی است که یکی از این رخدادها ظهور امام عصرؑ است و در نتیجه می‌توان گفت ایشان نیز زمان ظهور را می‌دانسته‌اند هرچند شاید بنا بر مصالح و ضرورت‌ها مجاز به بیان آن نبوده‌اند.

در قرآن آمده است:

يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (رعد / ۳۹)

خداوند هر چه را بخواهد محو یا ثبت می کند در حالی که ام الکتاب نزد اوست [و خود می داند عاقبت هر چیزی چیست].

و در سوره: زمر / ۴۸، یوسف / ۳۵، مطالبی در این راستا قابل طرح و مطالعه است که مطلبی پس از خفا برای مردم عیان می شود. این ظهور پس از خفا تنها برای انسان رخ می دهد و در مورد خداوند متعال صدق نمی کند، زیرا لازمه اش این است که خداوند نسبت به آن موضوع جهل داشته باشد که این امر محالی است.

خداوند، چنان که قرآن کریم می فرماید به همه چیز آگاه و داناست (نساء / ۳۵) و نسبت به همه چیز - در همه زمان ها و مکان ها چه حاضر باشدند و چه غایب، چه موجود باشند و چه فانی و چه در آینده به وجود بیایند، علم حضوری دارد (ر.ک: آل عمران / ۵). از همین روست که مسئله بداء و ظاهر کردن آن امر مخفی را به خداوند نسبت داده می شود (زمر / ۴۷) و براساس آیه ۱۱ سوره رعد که می فرماید: «خداوند چیزی را که از آن مردمی است دگرگون نکند تا آن مردم خود دگرگون شوند» و با استفاده از دیگر آیات و روایات می توان چنین برداشت کرد که برخی اعمال حسن، نظیر: صدقه، احسان به دیگران، صله رحم، نیکی به پدر و مادر، استغفار و توبه، شکر نعمت و ادائی حق آن و ... سرنوشت شخص را تغییر داده و رزق و عمر و برکت زندگی عمل کننده را افزایش می دهد، همان طور که اعمال بد و ناشایست اثر عکس آن را بر زندگی شخص می گذارد.

خلاصه اینکه بداء در حقیقت ظاهر شدن اموری است که از ناحیه خداوند متعال برای مردم مخفی و برای خود مشخص بوده است.

باور به بداء به شیعه اختصاص دارد. بنابر روایات شیعه، نشانه های ظهور حضرت مهدی ع به دو دسته حتمی و غیر حتمی طبقه بندی می شوند، در این دیدگاه موضوع بداء نیز تنها با علائم غیر حتمی و نه علائم حتمی یا علامات قیامت نسبت پیدا می کند و در دو دسته اخیر امکان و احتمال بداء وجود ندارد.

نتیجه

آشُرَاطُ السَّاعَةِ، بر مجموعه حوادثی اطلاق می شود که پیش از واقعه عظیم قیامت اتفاق خواهد افتاد.

در بسیاری از منابع روایی اهل سنت و برخی جوامع حدیثی شیعه، نشانه‌های ظهور مهدی^{۳۴} با علامت‌های نزدیک شدن و برپایی قیامت آمیخته و برخی نشانه‌هایی که به علائم ظهور مشهورند، نشانه قیامت دانسته شده است. حتی گاهی از اصل ظهور حضرت مهدی^{۳۵} به عنوان علامت قیامت یاد می‌شود.

به طور کلی صاحبان جوامع حدیثی اهل سنت به تبعیت از تفاسیر، ذیل آیه ۱۸ سوره محمد^{۳۶}، بابی با عنوان «اشرات الساعه» گشوده‌اند و در دوره‌های قبل و نیز متأخر کتاب‌های مستقلی با همین عنوان عرضه کرده‌اند. واژه «الساعه» نیز در قرآن به معنای وقت و لحظه به کار رفته است؛ هرچند واژه «الساعه» در قرآن کریم معمولاً به معنای قیامت به کار رفته است اما در برخی موارد از مجموع ۳۴ مرتبه‌ای که این واژه در قرآن دیده می‌شود، نمی‌توان آن را بر قیامت تطبیق کرد. این مصاديق غالباً بر همان مواردی تطبیق می‌کند که در منابع روایی بهویژه منابع شیعه به عنوان نشانه‌های ظهور حضرت مهدی^{۳۷} مطرح شده‌اند. البته با نگاه دقیق‌تر مجموعه این نشانه‌ها در چند مقطع زمانی گنجانده می‌شوند که در ضمن مقاله به آنها پرداخته شد.

موضوع اشرط الساعه در ادیان دیگر نیز مطرح شده است. در همه پیش‌گویی‌های مربوط به آخرالزمان، خبرهای وحشتناک و نگران‌کننده‌ای وجود دارد؛ ولی اغلب بر این امر اتفاق نظر است که پایان کار بشر، روشن و سعادت‌آمیز است. براساس مطالب پیش‌گفته تحولات آخر الزمان در دو عرصه انسانی و طبیعی قابل بررسی است.

بنابر منابع و تفاسیر شیعه و رویدادهای مربوط به اشرط الساعه را می‌توان به دو دسته کلی پیش از ظهور و قبل از قیامت دسته‌بندی کرد، اما منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت اشرط الساعه را به عنوان حوادث پیش از قیامت معرفی نموده‌اند.

در این پژوهش تلاش شد تا با استفاده از آیات قرآن کریم، روایات، منابع تفسیری شیعه و سنی و تحلیل آنها میان این مجموعه نشانه‌ها تفکیک انجام شود.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظيم، بیروت، دار الكتب العلمية.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ق، تفسیر القرآن العظيم (ابن کثیر)، بیروت، دار الكتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون.

- ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، لسان العرب، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- ابن هائم، شهاب الدین احمد بن محمد، ۱۴۲۳ ق، التبیان فی تفسیر غریب القرآن، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
- احمد بن حنبل، ابو عبدالله، ۱۴۱۵ ق، مستند احمد بن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ج سوم.
- اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، البحیر المحيط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر.
- البخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۱۸ ق، صحیح البخاری، به کوشش بن باز، بیروت، دار الفکر.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
- جمعی از نویسندهای، ۱۳۷۲، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر بحضوری، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- دهخدا، علی اکبر و دیگران، ۱۳۷۳، لغت نامه، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا و دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، دمشق و بیروت، دار العلم و الدار الشامیة.
- راوندی، قطب الدین، ۱۴۰۹ ق، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی (ع).
- زمخشیری، محمود، ۱۴۰۷ ق، الكشاف عن حقائق غواصین التنزیل، بیروت، دار الكتاب العربي، ج سوم.
- الساده، مجتبی، ۱۳۸۵، شش ماه پایانی، ترجمه محمود مطهری نیا، تهران، موعود عصر.
- سجستانی، سلیمان بن اشعت، ۱۴۱۶ ق، سنن ابی داود، به کوشش محمد عبدالعزیز الحالی، بیروت، دار الكتب العلمیة.
- سید قطب، ۱۴۱۲ ق، فی ظلال القرآن، بیروت و قاهره، دار الشروق، چ هفدهم.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، الدر المتنور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم، ۱۳۸۶، معرفت امام زمان (ع)، تهران، موعود عصر.
- صادقی، مصطفی، ۱۳۸۵، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، قم، پژوهشکده علوم و فرهنگ اسلامی.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۹۵، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، فرهنگ اسلامی.
- صدقی، محمد بن علی، ۱۳۹۵ ق، کمال الدین، قم، دار الكتب الإسلامية.
- _____، ۱۳۹۸ ق، التوحید، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____، بی تا، علل الشرائع، قم، مکتبة الداوري.

- طباطبائی سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج پنجم.
- الطبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، بی‌تا، *المعجم الصغیر*، تحقیق محمد سلیم ابراهیم سمار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، چ سوم.
- ———، ۱۳۷۷، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران و قم، انتشارات دانشگاه تهران و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت دار المعرفه.
- طبسی، نجم الدین، ۱۳۸۵، *چشم‌اندازی به حکومت مهدی*، قم، بوستان کتاب.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۱ ق، *الغيبة*، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
- ———، بی‌تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- قرطی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، ۱۴۰۴ ق، *تفسیر قمی*، قم، مؤسسه دار الکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- کورانی، علی، ۱۴۱۱ ق، *معجم احادیث الامام المهدی*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ ق، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مسلم، ۱۴۰۷ ق، *صحیح مسلم بشرح النبوی*، محبی‌الدین النبوی، بیروت، دار الکتاب العربی.
- مظہری، محمد ثناء‌الله، ۱۴۱۲ ق، *التفسیر المظہری*، پاکستان، مکتبہ رشدیہ.
- معین، محمد، ۱۳۷۵، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، امیر کیمیر.
- مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- نصیری، علی، ۱۳۸۳، *دانشنامه المعارف قرآن کریم: مدخل اشراط الساعده*، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، بوستان کتاب.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ ق، *الغيبة*، تهران، مکتبة الصدوق.